درنگ

این همه نامزد، چرا؟

مصطفی ایزدی

آیا می‌توان مردم را از شرکت در سرنوشت خود بازداشت؟ جواب روشن است، نه؛ زیرا تصمیم‌گیری در ابعاد گوناگون زندگی، ازجمله دخالت در سرنوشت خویش، از حقوق اولیه انسان‌هاست که قانون و شرعا نمی‌توان این حقوق را از افراد سلب کرد، مگر اینکه طبق قوانین موضوعه، دادگاه صالحه‌ای فردی را فاقد بعضی از وجوه لازم برای بهره‌مندی از حقوق اولیه، تشخیص دهد. در دنیای امروز، تمهیداتی اندیشه شده که احاد جامعه بتوانند، به هر شیوه‌ای که سودمندتر، آسان‌تر و مقبول‌تر باشد، به حق شرکت در سرنوشت خود برسند. در واقع می‌توان مردم را برای پیشبرد امور خود سازمان داد؛ سازمان‌های مناسبی که اولا، همه را دربر بگیرد؛ ثانیا، برای یکپارچ اهداف موردنظر، از عنایت مجریان و دست‌اندرکاران امور مملکتی بیشتر برخوردار شود. در این صورت متولیان امور نیز به‌آسانی، زمینه لازم را فراهم می‌کنند. یکی از بارزترین جلوه‌های دخالت مردم در سرنوشت خویش، همانا حضور مسئولانه و همه‌جانبه در انتخابات است. انتخاباتی که از طریق آن، مقامات مملکتی، اعم از فردی و جمعی برگزیده شوند. تمهیدات کشورها و جوامع پیشرفته امروزی برای سازماندهی مردم، برای اینکه آسان‌تر و بهتر در انتخابات شرکت کنند و سرنوشت خویش را رقم زنند، ایجاد تشکل‌های سیاسی با احزاب و کانون‌ها و انجمن‌ها و... است. این تشکل‌ها چه می‌کنند و چرا در کشور ما آن‌گونه که باید و شاید، مورد توجه بلندپایگان قرار نمی‌گیرند و اگر مورد توجه واقع می‌شدند، امروز شرایط سیاسی ما، به ویژه در سیاست داخلی، چگونه بود؟

ایران پس از انقلاب، به طور متوسط هر سال یک انتخابات به خود دیده است. به جز رفراندوم جمهوری اسلامی و رفراندوم تایید قانون اساسی مصوب مجلس، بررسی قانون اساسی- که هر دو در سال ۱۳۵۸ برگزار شد- تا دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات ریاست‌جمهوری و انتخابات مجلس خبرگان رهبری برگزار می‌شد. اما از سال ۱۳۷۶، یک انتخابات دیگر به آن سه انتخابات اضافه شد و آن انتخابات شورای اسلامی شهر و روستاست که همانند انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری، هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود. چند سال قبل برای تجمیع انتخابات در ایران، مقامات ذی‌ربط به فرمولی رسیدند که از طریق تصویب قانون، انتخابات هفت سال یک‌بار مجلس خبرگان رهبری را هر هشت سال یک‌بار کنند و چهار بار برگزاری انتخابات را به دو بار تقلیل دهند؛ طوری که انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا هر چهار سال یک بار و دریک روز صورت پذیرد و انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری هم دریک روز برگزار شود. سابقه انتخابات در ایران پس از انقلاب، از ابتدا احزاب و تشکل‌های سیاسی نقش اساسی را در بهتر برگزارکردن انتخابات داشتند. اما به‌مرور که اهمیت حزب در ایران کم شد و تشکل‌ها دچار چالش‌های عدیده شدند، در بعضی از فرایندهای رسیدن به یک انتخابات مناسب، پدیده هجوم به فرمانداری‌ها پدیدار شد، مثلا به جای اینکه کاندیداهای مجلس یا ریاست‌جمهوری یا حتی شورای شهر از طرف احزاب معرفی شوند، انبوهی از داوطلبان برای رسیدن به کرسی مربوطه، وارد صحنه می‌شدند و اقدام به ثبت‌نام می‌کردند. در سال جاری دو انتخابات داریم که قرار است روز هفتم اسفند برگزار شود. انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی و دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری. اکنون که این یادداشت را می‌نویسم، فرایند کاندیداشدن و ثبت‌نام‌کردن به پایان رسیده و زمان بررسی صلاحیت‌هاست. در این دوره، همانند دو سه دوره گذشته، احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی، دست به معرفی نامزد نزده‌اند و مردم بعضا بدون توجه به شرایط داوطلب‌شدن، به مراکز ثبت‌نام مراجعه کردند. برای مجلسی که نزدیک به ۳۰۰ نماینده عضو می‌خواهد، حدود ۱۲ هزار نفر مراحل ثبت‌نام را پشت‌سر گذاشتند. برای مجلس خبرگان رهبری که کمتر از صد نفر عضو می‌خواهد، بیش از ۸۰۰ نفر داوطلب شدند. این رخداد، میلیون‌ها نظرات که وظیفه سنگین نظارت را به رسیدگی برگرفتاری تعیین صلاحیت‌ها، تعیین زدند و یک را احاطه و از آن خود احاطه کرد. از این استقبال مردمی برای داوطلب‌بودن ناخشنود شدند و به‌گونه‌ای از مردم گلایه کردند.

احزاب در کشورهایی که با مشی مردم‌سالاری اداره می‌شوند، چه‌کاره‌اند؟ مگر نه این است که عده‌ای برای رسیدن به مواقع قدرت دور هم جمع می‌شوند و با دیدگاه مشترک به شیوه مدیریت به‌ویژه با اقتصاد یا سیاست- تشکلی را خلق می‌کنند و از درون آن به آینده خود نگاه می‌کنند؟ سیاست‌ورزان و علاقه‌مندان به فعالیت‌های مؤثر در ایران، مواضع قدرت را متواضعانه- مواضع خدمتگزاری می‌خوانند و در مانیفست حزبی خود، وظیفه اعم‌ومعروف و نهی‌ازمنکر را در سطح کلان بر عهده خویش گذاشته‌اند. اما واقعا باید پرسید چرا احزاب و تشکل‌های سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی، در سطح و وزنی که بتوانند دولت و مجلس تعیین کنند، در ایران با نمی‌گیرد. مگر حزب چه ضرری دارد که نمی‌تواند علاقه‌مندان به قانون‌اندیشی را سازمان دهد تا از این حجم انبوه واجدان شرایط نمایندگی کاسته شود. فراموش نکرده‌ایم که در دوره‌های اولیه ریاست‌جمهوری حداکثر ۱۰ نفر برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کردند. اما در این دوره چند صد نفر و یک بار هم نزدیک به هزار نفر کاندیدای ریاست‌جمهوری شدند. شک نباید کرد که شور و هیجان جمعیت حاضر در فرمانداری‌ها و وزارت کشور به هنگام ثبت‌نام نامزدها، بخشی از شور و هیجان حضور مردم در انتخابات است و کسانی که علاقه‌مند به ایجاد حماسه در روز رای‌گیری هستند و از شور انتخاباتی در زمان نزدیک به روز رای‌گیری خوشحال می‌شوند، نباید از کثرت داوطلبان به دلیل اینکه زحمت هیأت‌های اجرایی و نظارت زیاد می‌شود، ناراحت باشند. البته یک نکته هم وجود دارد که معتقد است این همه داوطلب برای انتخاب کسانی به‌عوانب کمتر از آن، یک نوع هیچ‌ساختن است و کسانی که از پیرون مرزها به آن نگاه می‌کنند، به چنین وضعی می‌خندند؛ مثلا شایسته است که تعداد نیازی دیلمه یا زیر دیپلم برای رسیدن به پست ریاست‌جمهوری، کاندیدا شوند؟ به نظر نمی‌رسد این پرسش بیجایی باشد، اما راهحل رفع این‌گونه مسائل چیست؟ وجود احزاب به معرفی نامزد و حمایت از احزاب در این‌گونه مواقع، وقتی قرار باشد تشکل‌های بزرگ برای افرادی معرفی کنند و قرار و مدار هم همین باشد که از نامزدهای احزاب از کس دیگری نشاید نکنند، دیگر نه به هیات‌های اجرایی نه دستگاه نظارت به معضل چه‌کنم چه‌کنم دچار نمی‌شوند. از طرفی علاقه‌مندان به سیاست‌مداری و کسب مقامات بالا در دولت و مجلس و شوراها و حتی در مجلس خبرگان رهبری، خودشان را به احزاب نزدیک می‌کنند، به‌مرور وارد احزاب می‌شوند و در جایگاهی قرار می‌گیرند که از طرف هواداران و لیدرهای آن احزاب، نامزد احزاب مقام ریاست‌جمهوری یا نمایندگی مجلس یا عضویت در شوراهای شهر و مجلس خبرگان رهبری می‌شوند.

حمیدرضا جلایی‌پور در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به فضای فعلی سیاسی:

تعداد بالای ثبت‌نام داوطلبان مجلس، غیرعادی نیست

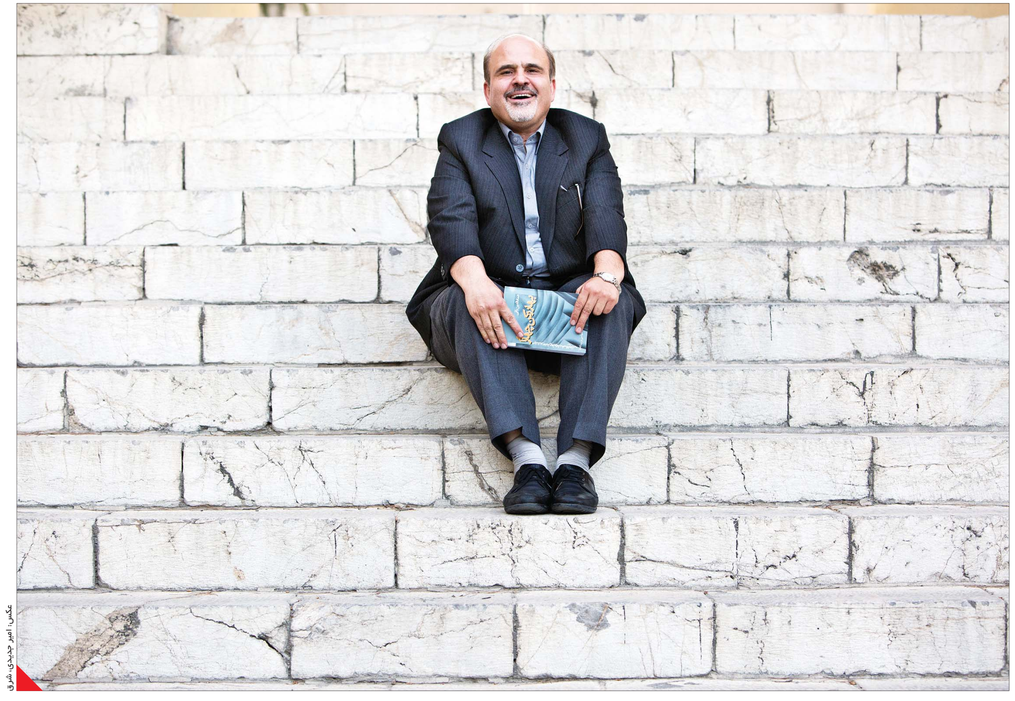

عکس: امیر مجیدی شرق

حامد طیبی

بیش از ۱۲ هزار نفر در انتخابات مجلس دهم ثبت‌نام کردند. این مسئله دو نکرش را به ذنبال داشت، نکرش اول، نکرش مجموعه دولت و فعالان سیاسی است که آن را نشان‌دهنده افزایش تعداد نیروی انسانی تحصیل‌کرده دانستند و نکرش دوم، نارضایتی از این حجم ثبت‌نام بود. دیدگاه سومی هم وجود داشت و آن اینکه یکی از نتایج حزبی‌نبودن انتخابات و فعالیت سیاسی در کشور، همین ثبام‌نام تعداد بالای داوطلبان است. قبلا، بارها در ویژه‌نامه‌ها و تحلیل‌های متعدد رسانه‌ها، درباره مشکلاتی که حزبی‌نبودن کشور به همراه دارد، سخن گفته شده است. اواخر خرداد امسال بود که پس از چند سال که از بررسی سیاست‌های کلی انتخابات می‌گذشت، مجمع تشخیص مصلحت نظام این سیاست‌ها را تصویب کرد.

این سیاست‌ها در قالب ۲۳ بند به اتمام رسید و پس از تصویب آن، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سخنانی، با مترقی و مناسب خواندن سیاست‌های کلی انتخابات که می‌تواند منشأ آثار خوب و مناسبی در روند انتخابات متعدد در آینده کشور باشد، از اعضای کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی، اعضای مجمع و به‌ویژه مصطفی پورمحمدی که مبدع و پیشنهاددهنده اولیه تغییر و اصلاح قانون انتخابات به رهبری معظم انقلاب بود، قدردانی کرد. در بندهای نهم و دهم این سیاست‌ها، به‌طور رسمی به نقش احزاب در انتخابات و حتی وظایف طبیعی این مجموعه‌های سیاسی منسجم، تأکید شده است؛ «تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانونمند و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات، مبتنی بر اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، به‌نحوی که رقابت‌های انتخاباتی به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام منجر شود. تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشکل‌های سیاسی قانونی در انتخابات، به منظور معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب صلاحیت‌های قانونی و مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت، در جهت افزایش مشارکت و حضور بانشاط مردم، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری و رعایت قواعد و مقررات فعالیت سیاسی از سوی اعضا، طرفداران و داوطلبان و پذیرش نتیجه قانونی و نهایی انتخابات. پذیرش حق دفاع احزاب از حقوق داوطلبان و اعضا و طرفداران در مراجع قانونی.

مسئولیت‌پذیری برای پشتیبانی‌های تخصصی و حفظ و ارتقای شایستگی‌های نمایندگان در طول دوران خدمت. حمایت از تشکیل اجتماعات و همایش‌های انتخاباتی و استفاده مناسب و عادلانه از امکانات دولتی و عمومی در تبلیغات از سوی احزاب، با این حال، همانند دادستی قانون انتخابات همچنان بدون تغییر باقی مانده است. سخنگوی شورای نگهبان، نیز هفته گذشته در گفت‌وگوی خبری شبکه دو، دلیل تعداد بالای ثبت‌نام را حزبی نبودن انتخابات در کشور دانست. چه اینکه درنهایت‌صورت، حزب به معرفی کادرهای توانمند خود می‌پردازد و هرکسی در خود این توانایی را حس نمی‌کند که داوطلب «کار سیاسی» مهمی مانند نمایندگی مجلس شود. «شرق»، این مسئله را با حمیدرضا جلایی‌پور به بحث گذاشته است. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ازجمله فعالان سیاسی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب است که مسائل سیاسی را با زمینه‌های جامعه‌شناسی واکاوی می‌کند. عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران، با در نظرگرفتن زمان حضور در حزب مشارکت ایران اسلامی، نزدیک به دو دهه سابقه کار تشکیلاتی را در کارنامه خود دارد. او در گفت‌وگو با «شرق»، تعداد بالای ثبت‌نام‌ها را یکی از نشانه‌های تحول در جامعه ایران دانست.

افزایش محسوس تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در انتخابات مجلس دهم، تحلیل‌های متفاوتی را دربی داشت. شما چه دیدگاهی درباره این رویداد دارید؟

پس از ثبت‌نام ۱۲هزارنفری، برخی مجموعه‌های وابسته به تندروها به کوپه‌ای وارد شدند اگر اصلاح‌طلبان موج ثبت‌نام اعدادخانه‌ای درحالی‌که اصلا این‌گونه نیست. اینکه جهوره‌های اصلی اصلاح‌طلبان برای دادن پیام مثبت، اساسا نامزد نشدند درحالی‌که حتی منتقدان آنها، توانایی و تخصص لیس کروه از اصلاح‌طلبان را نمی‌توانند انکار کنند.

این تعداد ثبت‌نام نشان‌دهنده زنده‌بودن جامعه مدنی است و این قوای کشور هستند که خود را با شرایط تحولات جامعه تنظیم نکرده‌اند. از این بابت، اصلا نباید نگران بود. اتفاقا تعدادی از مردم که تحصیلات تکمیلی یا تجارب نمایندگی و دیگر مسئولیت‌ها را دارند، احساس کردهاند می‌توانند در این حوزه مشارکت کنند. این در جای خود باعث خوشحالی است و پویایی کشور را نشان می‌دهد. به نظر من، اولین علت این رویداد، افزایش قابل‌توجه تعداد نیروهای کیفی ما در جامعه است. به یاد دارم هنگام پیروزی انقلاب، این معضل به‌شدت جمعه را آزار می‌داد. اینکه نیروی تحصیل‌کرده به تعداد مورد نیاز نداشتیم؛ مثلا این حاج‌آقای ملکی، پیش‌نماز انقلابی مسجد تجریش، آقای دکتر ولایتی (پزشک خانواده) را به آقای هاشمی پیشنهاد کرد، چون پزشک و تحصیل‌کرده و متدین بود. اما الان پس از ۳۶ سال از انقلاب تعداد نیروهای کیفی و تحصیل‌کرده زیاد شده‌اند. انتخاباتی هم در کشور می‌خواهد برگزار شود و به لحاظ قانونی، ویژگی‌هایی برای داوطلبان تعیین شده است و آنها هم با توجه به این قانون، ثبت‌نام کرده‌اند. هیات‌های اجرایی، برخی افراد را که نقض مدرک داشتند یا اینکه استعلام آنها از مراجع چهارگانه مثبت نبود واجد شرایط تشخیص ندادند؛ اما همچنان تعداد بالایی در عرصه مانده‌اند و این نشان می‌دهد این افراد کف صلاحیت‌ها را دارند. نکته دومی که در تحلیل تعداد ثبت‌نام‌کنندگان می‌خواهم عرض کنم این است که جامعه مدنی از احتمال باقی‌نماندن تعدادی از فعالان سیاسی و شاخه‌شده در مرحله نهایی انتخابات نگران است. تعداد زیادی از جوانان یا نیروهایی که در حوزه‌های مختلف اجرایی یا دانشگاهی تجربه دارند به این علت ثبت‌نام کردند که اگر رد صلاحیت‌ها گسترده بود، اقلا نه فهرست عقلا چیزی بماند!

اگر در جامعه ما نظام حزبی شکل گرفته بود، باز هم این اتفاق می‌افتاد؟ یعنی فرایند انتخابات به گونه‌ای بود که احزاب می‌توانستند با لوگو خود، نامزد معرفی کنند و مردم هم گرایش به چهره‌های با شناسنامه حزبی داشتند.

می‌دانید در ایران همه شرایط برای شکل‌گیری نظام رقابتی حزبی وجود دارد. تنها مانع آن، سیاسی است. ایرانی‌ها وقتی در این سطح غنی‌سازی می‌کنند، حتمسا در تحزب هم دارای توانمندی هستند. الان دو جبهه وسیع اصولگرایی و اصلاح‌طلبی در کشور تعریف شده است. تحول‌خواهان هم هستند. از آن‌طرف چهره‌ای مانند آقای ناطق‌نوری و این‌طرف، چهره شاخصی مانند رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، می‌توانند جامعه را به سوی نظام رقابتی حزبی رهنمون کنند. اما شما که تجربه کار حزبی دارید، می‌دانید چه مشکلات طاقت‌فرسایی سر راه ما وجود دارد. وقتی شرایط فراهم نیست و جامعه سیاسی هنوز در مرحله «تشکل‌یابی» و «جبهه‌بندی سیاسی» است تا «تحزب‌یابی سیاسی»، اتفاقاتی مانند تعداد بالای ثبت‌نام هم رخ می‌دهد. مردم تا ۳۰ سال دیگر هم فراموش نمی‌کنند همین معرفی‌نشدن چهره‌های کادر حزبی در انتخابات سال ۸۴ توسط اصولگرایان، باعث شد. افرادی به نام یک حزب یک شبه اعلام موجودیت کنند.

یعنی اعتقاد دارید موفق‌شدن برخی چهره‌های غیرحزبی و کم‌تجربه در انتخابات ما، باعث شده بسیاری از ایرانی‌ها احساس کنند می‌توانند شانس خود را امتحان کنند؟

وقتی امکان شکل‌گیری نظام رقابتی حزبی داده نشود، جامعه به شکل‌های دیگری، در مشارکت سیاسی مداخله می‌کند. در سال‌های گذشته، بخشی از کیفی‌ترین نیروهای انقلاب در دو حزب سیاسی اصلاح‌طلب گرد هم آمده و کار تشکیلاتی قانونمند و منسجم ذیل نظام جمهوری اسلامی را دنبال می‌کردند. بین یک انتخابات پرتنش، انقلابا اعضای این دو حزب به دنبال کاهش تنش‌ها و تأکید بر راهکارهای سیاسی‌اجتماعی بودند که به هر حال

پس از ثبت‌نام ۱۲هزارنفری، برخی مجموعه‌های وابسته به تندروها به کوپه‌ای وارد شدند اگر اصلاح‌طلبان موج ثبت‌نام اعدادخانه‌ای. درحالی‌که اصلا این‌گونه نیست. اینکه جهوره‌های اصلی اصلاح‌طلبان برای دادن پیام مثبت، اساسا نامزد نشدند. درحالی‌که حتی منتقدان آنها، توانایی و تخصص لیس کروه از اصلاح‌طلبان را نمی‌توانند انکار کنند.

چقدر احتمال دارد با توجه به شرایط سیاسی‌های کلی انتخابات، طرح بالایحه‌ای به مجلس داده شود تا در اوا ذنبه به سمت انتخابات حزبی برویم؟

امروز این اتفاق امکان‌پذیر است. اما فرامسون نکنید اصل انتخابات هنوز برای برخی جریانات، به‌عنوان یک پدیده تحمیلی شناخته می‌شود. با وجود تأکیدات امام و رهبری بر رکن جمهوریت و حتی تأکید اسلام بر رای و نظر مردم، برخی افراد می‌کوشند امام و مقام معظم رهبری را در مقابل مردم قرار دهند. یعنی انگار امام و رهبری با رأی مردم مخالف‌اند! اما در سطح کشور است. در همین دو هفته، عده‌ای به ما گفته‌اند چرا در انتخابات فعال هستید؟ اینکه اعضای یک حزب قانونی که چهره‌های باصلاحیت این کشور هستند، با احترام به همه قوانین کشور و برای ایجاد انگیزه در جامعه‌ای مخدوش برای تشکیل رکن مهمی مانند پارلمان فعال شده‌اند باید با حسن نظر روبه‌رو شود و تشویق شویم. گویی انتخابات، ارث پدری آنهاست.

شائبه فعالیت اصولگرایان، معرفی چهره‌ای مانند احمدی‌نژاد برای انتخابات ریاست جمهوری بنهد. درحالی‌که نیروهای توانمند حزبی و باصلاحیت در میز آنها وجود داشت. همان‌ها امروز از اهمیت کار حزبی سخن می‌گویند. آقای لاریجانی به‌عنوان یکی از اصولگرایان معروف به دنبال تشکیل حزب است و سخنگوی شورای نگهبان، دلیل تعداد بالای ثبت‌نام‌ها را حزبی‌نبودن انتخابات می‌داند. این مواضع، نشان‌دهنده وقوف بر اهمیت حزبی‌شدن انتخابات نیست؟

حتما. همه اینها حرکت‌های کارشناسی‌شده‌ای است. اصولگرایان میانه‌رو در دو سال اخیر، چند علامت نشان داده‌اند که اینها تماما ازرشمند است. یکی اینکه نگذاشتند در مجلس، «برجام» به‌عنوان یک دستاورد ملی قربانی منافع عدهای تندرو شود و اگرچه اتفاقی مثل سفارت عربستان رخ می‌دهد. دوم اینکه آن روز که عده‌ای بدون مجوز قانونی مقابل مجلس آمدند تا مانع تصویب برجام شوند و چند چهره تندروی مجلس هم به میان آنها رفتند، از این‌گونه حرکت‌ها ابراز برائت کردند. در همین انتخابات، اصولگرایان میانه‌رو تلاش می‌کنند حاب خود را از تندروهایی که ۱۰ سال است برای کشور فقط خسارت‌زا بوده‌اند، جدا کنند. البته اینها نهیب‌هایی هم دارد. در امر تبین نقطه ایران، علیه آقای لاریجانی شعار دادند. بالبرحال، به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان و اصولگرایان باشناسامه، به یک تفاهم ناپوشته رسیده‌اند که توسعه ایران با تندروی و افراط‌گری و یا به رسانسیه بیشامد و غرب هم نباشند. این قواعد، حتما، به‌تدریج باعث کارایی و انسجام جامعه سیاسی ایران خواهد شد.

دولت و مجلس برای ایجاد امکان رای‌دادن به فهرست احزاب و کوره‌های قانونی و تسهیل و ارتقای سطح مشارکت احزاب و تشکل‌های سیاسی قانونی در انتخابات به‌منظور معرفی افراد شایسته در تراز جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب صلاحیت‌های قانونی. مطالبه رقابت سالم انتخاباتی داوطلبان مورد حمایت در جهت افزایش مشارکت و حضور باشاط مردم». وقتی این سیاست‌های کلی وجود دارد، می‌توان به حزبی‌شدن انتخابات در کشور امیدوار بود؟

وجود این سیاست‌ها و تأکید قبلی توجه در جنبد بند درباره اهمیت حزبی‌شدن انتخابات، اتفاق مثبتی است اما مشکل ما علاقه‌مندی برخی جریان‌ها به نشان‌دادن نقش فرادولتی و فراقانونی است. یک شخصیت شاخه‌شده حزب اتحاد ملت ایران برای سخنرانی به خوزستان سفر کرده بود. تمام مراحل قانونی هم برای برگزاری این نشست، توسط برگزارکنندگان رعایت شده بود. ایشان در فرودگاه توسط عده‌ای به کوپه‌های برده می‌شود و توصیه می‌کنند سخنرانی را برگزار نکرده و شهر را ترک کند! استاندار محترم متوجه این مسئله شده و خود را به فرودگاه می‌رساند. آقا با دیدن استاندار، صحنه را ترک می‌کند! ما با این مشکلات روبه‌رو هستیم. اگر نه سیاست‌های کلی انتخابات نوشته شده است و یکی از جلوه‌های کار احزاب، همین سخنرانی‌ها و جلسات و ارتباط با مردم باید بتوانند در آنجا حرف بزنند. توجه به «عرصه عمومی» یعنی مهم‌ترین مسائل کشور را بدون نگرانی مورد کنکاش قرار دهیم. آن وقت ما سر مسائل مهم و عمومی به اجماع می‌رسیم و یکی از مهم‌ترین ابزارهای چنین رویکردی، رسانه‌های دیداری و شنیداری هستند. حال، وضعیت این رسانه را مشاهده کنید. در آستانه انتخابات مجلس به جای ترغیب مردم، خبرهای غیرواقعی علیه اصلاح‌طلبان و دولت روحانی پخش می‌کنند. اینها اصلا فکری تحت عنوان دفاع از توسعه سیاسی ندارند و برخی در آنجا همچنان به ترهای منسوخ‌شده عملیات و جنگ روانی فکر می‌کنند. برخی بخش‌های خبری، از اصول خبررسانی حرف‌های فاصله بسیاری دارند. جالب است که با این تفکر، در هشت سال همه چیز را در دست داشتند. اما در انتخابات ۹۲ فقط چهار میلیون رای آوردند. این مسئله در مورد توسعه فرهنگ هم همین‌طور است. محیط‌زیست هم برای آنان، ابزاری برای تخریب دولت روحانی است و نه دلسوزی برای کشور. با این شرایط، چگونه توقع دارید تحزب و سامان‌یافتگی سیاسی در این گونه رسانه‌ها تبلیغ شود؟ البته مردم کاملا این مسئله را می‌دانند و توسعه سیاسی در جامعه ما بدون نیاز به ابزار رادیو و تلویزیون به پیش می‌رود.

اگر این سیاست‌ها به قانون تبدیل شود، یعنی یک رسانه می‌تواند آن را اجرا نکند؟

الان هم خیلی قانون‌ها وجود دارد اما حتی جوابیه اشخاص حقیقی و حقوقی درباره اتهاماتی که به آنها نسبت داده می‌شود را پخش نمی‌کنند. در برخی بخش‌ها به‌صراحت، چهره‌های مورد احترام مردم را مورد تمسخر قرار می‌دهند. البته جامعه ما خیلی زرنگ شده است. آنها پخش مستقیم فوتبال لیگ‌های اروپایی و برنامه‌های طنز و سرگرمی را می‌بینند. اما موقع اخبار، یا کانال را عوض می‌کنند یا به سراغ کارهای دیگر می‌روند.

با توجه به نقل‌قولی که از آقای ابراهیمیان، سخنگوی شورای نگهبان، مطرح کردم، این امیدواری وجود ندارد چهره‌های حزبی باشناسنامه حتی اگر اصلاح‌طلب باشند، به افراد کم‌تجربه و شناخته‌نشده ترجیح داده شوند؟

ما علم غیب نداریم. همین که آقای ابراهیمیان این حرف‌ها را در صداوسیما زده است، می‌تواند در بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، مورد توجه قرار گیرد. وقتی خروجی آن مشخص شود، آن‌وقت می‌توان فهمید این نکات رعایت شده است یا نه؟ ما از مواضع خوب همه استقبال می‌کنیم. باید حرف‌ها به عمل تبدیل شود.

اگر نظام انتخاباتی ما بر مبنای فعالیت حزبی تدوین شود و تعداد ثبت‌نام‌کنندگان به دو هزار نفر کاهش یابد، برخی آن را نقض دموکراسی می‌دانند؟

اولا در همه دنیا کـه نظام رقابتـی حزبی وجـود دارد، افراد دیگر هم می‌توانند در انتخابات نام‌نویسی کنند اما شانسی برای انتخاب‌شدن ندارند. مثلا در انتخابات دو دوره قبل در آمریکا، آقایی نیازی نیست ورود سایر مردم به عرصه نام‌نویسی را محدود کنیم. این هم مسئله که ترجیح می‌دهند به چهره‌های حزبی رای دهند. اتفاقـا اگر برخی افراد غیرحزبی هم رای آوردند، برای احزاب یک درس است که مواضع آنها، همه نیازها و مطالبات مردم را پوشش نمی‌دهد. مردم در نظام‌های حزبی با این پدیده مواجه نیستند که ناگهان در شب انتخابات شوراهای دوم، تابلویی به نام آبادگران بالا برود و بعد هم افرادی با حدود ۱۰ درصد آرای واجدان شـرایط، وارد شـورای شهر تهران شوند و مقدرات پایتخت را در دست گیرند بعد هم این تابلو ناگهان غیب شود. احزاب شایسـته‌دار و نظام رقابتی حزبی و صداوسـیما باید خـوب کار کند تا اگر افراد صالحی را برای نامزدی معرفی نکردند، با کارکرد منفی در دولت و پارلمان داشـتند، مردم بتوانند بگویند اینها را بکبرند. اگر همه اینها هم باشد باز هم تضمینی نیسـت که همه چیز خوب کار کند. اگر حزب عمومی واقعا به محل نقد تبدیل شـود و مشارکت مردم در عرصه عمومی پذیرفته شود، آن موقع هم حکمرانی‌ها با چالش‌هایی روبه‌روست که باید در جای خود بحث شود.

ما در دوره‌ای بسیـر‌بر کرده‌ایم که با انتخابات فرایند مواجهیم و اداره جوامع بسیار دشوار شـده است. نظام حزبی یکی از مقدمات دموکراسی متعارف اسـت. این همه تئوری دموکراسـی به‌خاطر نواقصی اسـت که با وجـود کارکرد دموکراسـی پارلمانی ایجاد می‌شود. گیدنز می‌گوید دموکراسی پارلمانی کار می‌کند اما اگر قرار باشـد در خانواده رابطه زن‌ومرد و بچه‌ها با مدارا و رواداری و درک متقابل نباشـد، آن دموکراسـی پارلمانی هم خوب کار نمی‌کند. یا در جوامع که کار حزبی به سـتزهای خاص‌اند اگر نظام رقابتی حزبی خوب کار کند اما در حیات اکثریت سـنی را جلب و متحدان منطقه را طرفدار خود خواهد کرد. نوشـته نیسـت چه‌کسی که در کوتاه‌مدت حزبی نتیجه، دلخواه آن باشـد اما در نهایـت، تقویت فرقه‌گرایی فقط باعث اقتدار افراط‌گری و بی‌ثباتی بیشـتر در منطقه‌ای خواهد شد که هم‌اکنون در حال انفجار اسـت. به عقیده نویسـنده، سعودی‌ها در ۱۰ سال گذشته، هر بار دنبال بهانه‌جویی بی‌ضرری بودند. ایران و تشیع را علم می‌کردند. احسـاسات ضدایرانی و ضدتشیع در میان افراطیون مذهبی سعودی سـاخته دیونه دارد اما اکنون این مسـئله از دل و درون هویت ملی عربستان سربر آورده اسـت. این تحول در جامعه شعبه عربسـتان که حدود ۱۵ درصد جمعیت آن را تشـکیل می‌دهد، برای سـعودی و برای کل خاورمیانه خطرناک اسـت. این یادداشـت پس از اشـاره به تحولات عراق می‌نویسـد قدرت فرامنوایان سعودی، ایران و تشیع را به عنوان تهدیدی خطرناک معرفی کرده و همه چیز: از اعتراضات داخلی تا دخالت در یمن را به درکردن آن اندامه‌اند و نه‌فقط کوه اقلیت را تحقیر و محکوم کرده‌اند بلکه نیاز به اصلاحات سیاسـی و اعتراض را نادیده گرفته‌اند و درنهایت پس از اشـاره به اعدام شـیخ نمر می‌نویسد اکنون مشکل وقتی عربسـتان فقط این نیسـت که می‌خواهد با فرقه‌گرایی خوشـتحیر بمانـد زندگی کند بلکه اکنون به این کار وابسـته شده اسـت. به عبارت دیگر جنان با بی‌پروایی به این سیاسـت آویخته‌اند که اکنون تزیه دیگری هم ندارند. مسـئله در این اسـت که این نکته خطر پیامدهای بعدی را به همراه دارد و در پایان به اسـرائیل در عربسـتان سعودی را تیروبی ثبات‌آفرین در خاورمیانه می‌پندارند. به‌روشـنی توضیح می‌دهد که چنین بندای نادرست اسـت.

بنابراین تأکید بر تحزب در انتخابات مجلس باعث می‌شـود که کارنامه افراد بعد از خروج از مجلس نیز قابل بررسی باشد.

چنین اسـت که می‌تـوان گفت که با این توصیفات لازم اسـت تا سیاسـت انتخاباتـی در ایـران از چهبه‌محـوری و چهارمحـوری عبرشـفاف به سـمت حزب‌محوری شـفاف حرکت کند و سیاسـت انتخاباتـی نیز باید از نام‌دمزحوری به سـمت حزب‌محوری تغییر یابد تا در آینده بتوان هم شـاهد حضور مطلوب نامزدها در روند ثبت‌نـام بود و هم بعدها بتوان از نمایندگان عادت عدم عمل به وعـده و برخـی رفتارهای انتخاباتـی را جویا شـد و آنها را مورد بازخواست قرار داد.

تعدد نامزدهای انتخاباتی چگونه ارزیابی می‌شود؟

ضعف نظام انتخاباتی یا استراتژی برای افزایش مشارکت

نفیسه زارع‌کهن

مرحله اول انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری تمام شـد. صلاحیت کاندیداها در کام نخبت بررسی شده است و اکنون آنها منتظر اعلام نظر شـورای نگهبان هسـتند؛ اما ثبت‌نام کاندیداهـای این دو مجلس درحالی صورت گرفت که پرالسـاس آمار رسـمی منتشرشـده از سوی وزارت کشـور، تعداد نامزدهای ثبت‌نام‌کرده برای انتخابات مجلس شـورای اسـلامی و مجلس خبـرگان طبق آخرین نظرسـنجی افزایشـی به ترتیـب ۱۰۰ و ۶۰ درصدی داشته‌اند. درمجـس‌حال از میان ۱۲،۱۳۲ نفر ثبت‌نام‌کننده برای نامزدی انتخابات مجلس شـورای اسـلامی ۱،۴۳۴ نفر از آنان زن هستند و ۸۰۱ نفر نیز برای مجلس خبرگان ثبت‌نام کرده‌اند.

بعـد از اعلام این آمار بود که برخـی از اصولگرایان آن را فتنه جدید خواندنـد و افزایش کاندیداها را در رسـانه‌های خود مورد مذمـت قرار دادند و ایـن همه حـدس و گمان‌هـا نیـز دامنه که برخی دیگـر آن را اسـتراتژی اصلاح‌طلبان عنوان کردنـد تا از طریق این اصلاح‌طلبـان کمترشـناخته‌شـده بتوانند به مجلس راه یابند و برنامه‌های خـود را پیش‌ببرند. اما آنچه حـائز قرار دهند و این حرکات اسـت که با ناگاهی به لیسـت‌های ثبت‌نامی می‌توان گفت چنین اقدامـی چنـدان منطبق با واقعیـت نیسـت و نـام اصلاح‌طلبان سرشناس هم در میان لیست افراد ثبت‌نامی هسـت.

تنها شـاید افزایش تعداد ثبت درصـدی ثبت‌نام زنـان در انتخابات پیـش‌رو را بتوان ماحصل تلاش چندین ماهـه فعالان حوزه زنان دانسـت. با همه این اوصاف و قدردانی از تلاش زنان برای کسب کرسی‌های بیشتر و رفع تبعیض جنسی‌ساله‌شان باید گفت اگرچه گفته می‌شـود تعداد نامزدهـا در عرصه رقابت‌هـای انتخاباتی باعث گرمی تنور انتخابات و رقابت تنگاتنگ جریان‌های سیاسـی عمده کشـور می‌شود و بر میزان مشارکت قشرهای گوناگون مردم در انتخابـات می‌افزایـد؛ ولی چنین افزایش بی‌سـابقه‌ای فارغ از محاسنی که خواهد داشـت مسـبب معایب بسیاری هم خواهد شد و بسـیاری از افرادی که نه در زمره چهره‌های تاثیرگذار هسـتند، به بسـه اجازه می‌دهند که وارد کارزار رقابت‌ها شـده و خود را به‌عنوان نامزد مردم به معرفی کشور و حتی حزب آزای مردم شوند، آن هم در شـرایطی که کارایی لازم را برای مجلس نداشته باشند. زیرا زمانی که ملاک تنها تحصیلات باشـد عرصه برای برخی افراد باز می‌شود که با